

مسئول موزه پوشاک سلطنتی از وضعیت اقتصادی و استقلال مالی موزه‌ها می‌گوید:

مبلغ ورودی جوابگوی هزینه موزه‌ها نیست

هر دولتی وظیفه دارد برای فرهنگ سوبسید در نظر بگیرد چون کار فرهنگی، به‌صورتی نیست که بشود زمان بازدهی «اقتصادی آنرا محاسبه کرد»



به گزارش خیرگزاری صبا، موزه پوشاک سلطنتی، تحت عنوان سیر تحول پوشاک سلطنتی از دوره قاجار تا پهلوی دوم، مهرماه سال 94 کاخ تابستانی شمس تاسیس شده است. این موزه از طرف ایکوم؛ شورای بین‌المللی موزه‌ها در سال 94 موفق به دریافت لوح برگزیده سال، در زمینه نوآوری و خلاقیت شده است. موزه در کنار این نمایشگاه، در راستای ارائه طراحی لباس‌های خاص، نمایشگاه‌هایی را نیز تدارک می‌بیند که به‌تازگی نمایشگاه کالکشن «شهرزاد» تحت عنوان «سی‌پال، میراث نو» برگزار شده است. به این بهانه با گیسو فکور؛ مسئول این موزه درباره برگزار شدن نمایشگاه در موزه و شرایط اقتصادی موزه‌ها در ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

اصولا موزه‌گردی به چه اندازه در ایران رواج دارد و آیا موزه‌ها می‌توانند هزینه‌های جاری خود را از طریق بازدیدکنندگان تامین کنند؟

موزه «پوشاک سلطنتی» یک موزه دولتی است و دولت هزینه‌های آنرا پرداخت می‌کند؛ در نتیجه فکر می‌کنم اگر این موزه مستقل شود در شرایط فعلی و با توجه به محدودیت‌هایی که در زمینه پوشاک برای ما وجود دارد، نتوانیم به استقلال مالی برسیم. با وجود این‌که تعداد بازدیدکنندگان از موزه ما بسیار زیاد است؛ در 11 روز عید، تعداد بازدیدکنندگان ما 25 هزار نفر بوده است اما هزینه‌ای که بازدیدکننده به‌عنوان ورودی موزه می‌دهد، جوابگوی گرداندن یک موزه نیست؛ هزینه‌های موزه بسیار بالاتر از این رقم‌هاست. از سویی هر دولتی وظیفه دارد برای فرهنگ سوبسید در نظر بگیرد چون کار فرهنگی به‌صورتی نیست که بشود زمان بازدهی اقتصادی آنرا محاسبه کرد.

نمی‌شود به بازدهی فعالیت‌های هنری به یک‌سال یا دو سال فکر کرد چون ممکن است که شما روی کاری فرهنگی امروز سرمایه‌گذاری کنید و سی سال بعد برداشت کنید. بنابراین تمام دولت‌ها و کشورهای متمدن وظیفه خود می‌دانند که برای فرهنگ و هنرشان رایانه پرداخت کنند. دولت باید هزینه کند تا بتواند فرهنگی را که پشتوانه یک کشور است، ارتقا بخشد و اصلا نباید به این مساله فکر کرد که آیا هزینه‌ها جوابگوی گرداندن یک موزه است یا نیست. سازمان میراث فرهنگی ایران نیز بودجه‌هایی را تحت عناوین بودجه‌های عمرانی، تجهیزاتی، نمایشگاهی و... سالیانه به موزه‌ها اختصاص می‌دهد تا بتواند کاری فرهنگی را به نفع بازدیدکننده و از آن مهم‌تر، نسل‌های آینده انجام دهد.

در مورد نمایشگاه‌های لباسی که در موزه پوشاک سلطنتی برگزار می‌شوند، توضیح دهید.

از مهرماه 94 تا کنون سه نمایشگاه پوشاک در این موزه برگزار کرده‌ایم؛ نخستین نمایشگاه، «ردپای عشق» آثار فریبا میرزایی بود که بر روی لباس‌های مفهومی کار می‌کند، در این شیوه ساختار لباس را اگر بوم نقاشی در نظر بگیریم، هنر روی آن اجرا می‌شود و الزاما این لباس‌ها برای پوشیدن تولید نمی‌شوند. هنری که روی لباس انجام می‌شود مهم است. نمایشگاه دوم ما به البسه اقوام مربوط بود که بخشی از آن، به لباس‌های جنوب ایران مربوط می‌شد و برقه‌ها که روی آنها برای نخستین‌بار کار مینیاتور انجام شده بود.

«سی‌پال» سومین نمایشگاه ما، کاری از سهیلا جبری به‌عنوان لباس‌ها و پیراهن‌های کردی برگزار شد که ساختار لباس، کردی است اما با رویکردی مدرن و با رنگ‌ها و ترکیبی جوان‌پسند به آن نگاه شده است البته هماهنگ با هنجارهای پوششی جامعه ما این کار انجام شده است. هدف ما از برگزاری نمایشگاه در موزه پوشاک سلطنتی، معرفی کردن پوشاک مدرن که

هم مختصات پوشاک اقوام ما را داشته باشند و هم آن قدر مدرن باشند که مردم و جوانان ما نیز بتوانند در دوران حاضر از آنها استفاده کنند همچنین این لباس‌ها باید از لحاظ اجتماعی و مذهبی با هنجارهای پوششی ما همخوانی داشته باشند.

پروژه انتخاب نمایشگاه‌های لباس به چه صورت است و چه فاکتورهایی را در این زمینه در نظر می‌گیرید؟

اشخاصی را به‌عنوان هیات انتخاب برای این منظور در نظر گرفته‌ایم. هر نمایشگاهی که به ما پیشنهاد می‌شود، در ابتدا رزومه کار هنرمند و نمونه کارهای او را مورد بررسی قرار می‌دهیم و همین‌طور نیت برگزاری نمایشگاه باید با اهدافی که ما در نظر گرفته‌ایم، همخوانی داشته باشد و این نمایشگاه‌ها ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی و سیاسی ما دارد؛ اگر نمایشگاهی شرایط مناسب را دارا بود اما در آن زمان، مناسبی برای برگزار کردن آن وجود نداشت، نمایشگاه را به زمان دیگری موکول می‌کنیم چون پوشاک مقوله‌ای بسیار حساس است و نمی‌توانیم هر زمانی به هر نوع لباسی بپردازیم و زمان خاص خود را دارد. اگر سطح کارها پایین باشد و در شأن و مقام موزه نباشد، آنها را رد می‌کنیم.

دو نمایشگاه از سه نمایشگاهی که در این مدت در موزه لباس‌های سلطنتی برگزار شده است، به‌نوعی به لباس و پوشش اقوام مربوط می‌شد؛ آیا می‌توان گفت یکی از اولویت‌ها برای انتخاب نمایشگاه لباس، استفاده شدن از المان‌های بومی ایرانی در لباس‌هاست؟

صد در صد. ما پیشینه‌ای قوی و عمیق در زمینه پوشش اقوام داریم؛ از خراسان گرفته تا سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان، کردستان، لرستان، مازندران، گیلان و... گنجینه‌ای از پوشاک اقوام را در اختیار ما قرار می‌دهند. لباس‌های محلی و منطقه‌ای با خصوصیت‌های خاصی طراحی شده‌اند و حتی لباس‌ها در همخوانی با مشاغل مرسوم در هر استان طراحی شده‌اند و در طول زمان راحتی و زیبایی لباس با توجه به شرایط محیطی، کاری و حتی آب و هوایی مناطق همخوانی پیدا کرده است؛ بنابراین ما پیشینه‌ای عمیق و قوی از گذشته داریم. متأسفانه در زمینه پوشاک به‌جای این‌که نگاهمان به گذشته‌مان باشد، رویکردمان به آن سوی مرزهاست. درحالی‌که با توجه به پیشینه‌ای که در زمینه پوشاک داریم، باید مد را ما به خارج از کشور صادر کنیم.

متأسفانه شرایطی پیش آمده است که جوانان ما مد را از خارج از مرزهای ایران به داخل کشور می‌آورند و این مساله از نظر متولیان فرهنگی ایران خطرناک است. اصلاً یکی از اهداف موزه این است که گذشته‌مان را به بازدیدکنندگان مان یادآوری کنیم. به مخاطبان پیشینه فرهنگی‌مان را یادآور شویم و از آنها بخواهیم با آن پشتمانه و با رویکردی به آینده به راهشان ادامه دهند. ما در موزه پوشاک قصد داریم با در نظر گرفتن تمام اقوام و ریشه‌های پوششی آنها، مدل‌هایی که هم ریشه در گذشته داشته باشند و هم نگاهشان به آینده باشند را برای جوانانمان تعریف کنیم تا از سردرگمی پوششی در بیایند.

چرا در این سال‌ها به مقوله لباس پرداخته نشده است؛ آیا این مساله برای طراحان لباس مطرح نبوده است یا مشکلاتی از جنبه حمایتی وجود داشته است؟

دلایل مختلفی دارد. بعد از انقلاب اتفاق‌های خاصی در ایران افتاده است؛ سال‌ها درگیر جنگ بودیم. مسلماً اگر کشوری هشت سال درگیر جنگ باشد و سال‌های بسیار زیادی پس از آن هشت سال، درگیر حواشی آن باشد مطمئناً چیزی به‌نام مد و پوشاک در آن کشور در اولویت قرار نمی‌گیرد. بسیار طبیعی است که تمرکز جامعه و حتی متولیان فرهنگی ما بر اتفاق‌های دیگری باشد بنابراین نمی‌توان گفت کوتاهی از کدام سو بوده است؛ مسائلی در جامعه جاری هستند و این مسائل دست به دست یکدیگر می‌دهند تا به مقوله‌ای بیشتر پرداخته شود و به مقوله دیگری، کمتر اما در حداقل 10 سال گذشته، مسئولان فرهنگی به این نتیجه رسیده‌اند که باید نوعی هویت‌یابی و گمانه‌زنی درباره گذشته‌مان داشته باشیم تا بتوانیم پوشاکمان را به یک حد معقولی که هم از نظر مذهبی و اجتماعی مقبولیت داشته باشد و هم جوانان به آنها تمایل داشته باشند، برسانیم.

در آن دوران دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف طراحی لباس، طراحی پارچه و... دانشجوی پذیرفته شده است که این دانشجویان الان درحال وارد شدن به بازار کار هستند و مطمئناً این افراد می‌توانند سیاست‌گذاری‌هایی برای آینده پوشاک ایران داشته باشند. موزه‌ها نیز در کنار این افراد می‌توانند کمک‌های خوبی برای ارتقای فرهنگ پوشاک در ایران باشند چون موزه‌ها نسبت به گالری‌های لباس، بازدیدکنندگان عام‌تری دارند. موزه‌ها می‌توانند، از دید بازدیدکنندگان، بهتر، درست‌تر و موجه‌تر این طرح‌ها را معرفی کنند تا گالری‌های لباس.

کاخ سعدآباد محدودیت بازدیدکننده ندارد

برخی تصور می‌کنند موزه‌هایی که در کاخ سعدآباد واقع است به دلیل فاصله‌ای که از مرکز شهر دارند، بازدیدکنندگان آنها به طبقه و منطقه‌ای خاص تعلق دارند درحالی‌که این تصور درست نیست. این‌جا چون کاخ موزه است برخی از کاخ‌ها، همچون کاخ شمس تغییر کاربری داده‌اند و به موزه تبدیل شده‌اند و برخی دیگر همچون کاخ ملت و کاخ سعدآباد، همچنان کاخ هستند.

مردم از همه جای ایران برای دیدن این کاخ‌ها می‌آیند و فکر نمی‌کنم ما محدودیت بازدیدکننده را داشته باشیم. بر اساس آمار ما در عید و تابستان، تعداد بیشتری بازدیدکننده داریم و به جرات می‌توانم بگویم 85 درصد بازدیدکنندگان ما در این دوره‌ها از شهرستان‌ها آمده بودند. همچنین بازدیدهای گروهی و دانش‌آموزی نیز از این موزه صورت می‌گیرد که از همه جای تهران دانش‌آموزان را به این موزه می‌آورند؛ حتی دانش‌آموزان را از ورامین، رباطکریم، شهرستان‌های اطراف کرج و... برای بازدید به این موزه می‌آورند.

به‌عنوان مثال در جبران روز چهارشنبه 29 اردیبهشت‌ماه که همه موزه‌ها به‌مناسبت روز جهانی موزه‌ها رایگان اعلام شده بودند اما از سوی تشریفات ریاست جمهوری در آن روز، سعدآباد تعطیل اعلام شده بود، در هفته گذشته، روز نیمه شعبان به‌مناسبت میلاد امام زمان (عج) بازدید از کاخ موزه سعدآباد رایگان اعلام شده بود. در این روز 160 هزار نفر از کل مجموعه بازدید کردند و موزه لباس‌های سلطنتی 11 هزار نفر بازدیدکننده داشت. این افراد نیز از سراسر تهران آمده بودند.